



۳۷

سوسیالیسم امروز

۲۴ فوریه ۲۰۱۸ - ۵ اسفند ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرود: سلام زنجی

www.simroz.org

دولت و روبنای سیاسی

صفحه ۳

احمدی نژاد و روحانی، و دارودسته سازگارا
و شیرین عبادی چه هدفی را تعقیب میکنند؟

صفحه ۴

سرنگونی از راه انقلابی شعار ماست!

علیه پیروان رفراندوم مشروعیت بخشیدن مجدد به رژیم متحد شویم!

صفحه ۱۳

زنده باد روز جهانی زن!

صفحه ۶

ما برای زندگی بهتر میجنگیم!

صفحه ۸

قران را به زبان مادری بخوانیم

صفحه ۱۲

حول مطالبه

"افزایش حداقل

دستمزد ۵ میلیون

تومان" متحد شویم!

صفحه ۱۴

در صفحات دیگر:

-گزارش دیدار با اتحادیه زنان

سلیمانی

-گزارش شرکت در سمینار

مربوط به عفین

-او هنوز نفس میکشد..!

-شاهکار و راهکار

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی در باره
روز جهانی زن

زنده باد ۸ مارس

سوسیالیستی!

برای برابری زن و مرد، و رفع
تبعیض بر حسب جنسیت

پیشا پیش فرا رسیدن روز ۸ مارس، روز
همبستگی جهانی زنان آزاده و
سوسیالیست، روز اعتراض به تداوم شرم
آورتبعیض و نابرابری علیه زن را به
همه زنان و مردان آزدیخواه تبریک می
گوئیم!

یکسال بعداز سرکوب خونین زنان کارگر
اعتصابی صنایع پوشاک در روز ۸
مارس سال ۱۹۰۸، که بخاطر کسب حق
خود، از جمله کاهش ساعت کار دست به
اعتصاب زده بودند، و بطور وحشیانه
سرکوب گردیدند، اولین مراسم یادبود این
جنایت، توسط حزب سوسیالیست امریکا
برگزار گردید. در جریان "بین الملل
دوم" در کپنهاگ دانمارک، بنا به پیشنهاد
"لوئیس زیتس"، و حمایت
"کلارزتکین" فعال سوسیالیست و
کمونیست ومدافع برابری زن و مرد،
تصمیم گرفته شد هر سال به این مناسبت
روز هشتم مارس در سطح جهان بگذار
گردد. بدین ترتیب از آنزمان تا کنون،
روز ۸ مارس، هر سال به مثابه روز و
پروسه اعلام همبستگی جهانی برای
تحقق برابری زن و مرد، و به روز
اعتراض جهانی به بقایای ستم بر زن و
تداوم نابرابری بر حسب جنسیت، که به
مشخصه مهم جهان امروز سرمایه داری
تبدیل گردیده است، برگزار میگردد.

← صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

زنده باد ۸ مارس ...



اگر چه نفس ستمکشی و فرودستی زن محصول نظام طبقاتی حاکم سرمایه داری نیست، اما سرمایه داری بنا به نیاز سیاسی، فرهنگی و به ویژه نیاز اقتصادی خود این میراث نفرت انگیز را تکامل بخشیده است و به تقسیم بندی جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی و سودآورنده، به این ستم دیرینه چنان رنگ "مدرن" و طبیعی بخشیده که نمیتوان به آسانی و بدون مبارزه سخت و قهرآمیز، بدون حضور گسترده زنان و مردان آزادیخواه علیه نظام طبقاتی این ستم نهادینه شده را، چه در شکل وقیحانه "مدرن بورژوازی" و چه در شکل عریان و هولناک مذهبی، از سر راه برداشت و جامعه ی عاری از ستم و تبعیض و بدون وجود ستم و نابرابری بر حسب جنسیت متحقق گردد.

در ایران تحت حاکمیت ایدئولوژی اسلامی، به عنوان ارکان ضد زن نظام بورژوازی حاکم، چندین دهه است شاهد یک سیستم تمام عیارآپارتاید جنسی هستیم. شاهد جنایت و سرکوب و وحشیگری بیشمار در شکل تحمیل حجاب و پوشش اسلامی و قوانین به شدت ضد انسانی مانند سنگسار، تجاوز، نابرابری، جدا سازی، اسید پاشی و جاری کردن بی حقوقی کامل زن و گسترش فرهنگ لمپنی ضد زن و مرد سالارانه هستیم. در چنین جوامعی که بنا به حاکمیت دولت اسلامی، مذهب علیه زن افسار پاره کرده است تردیدی

نیست باید دوباره در صدد افسار زدنش برآمد، و باید علیه کلیه مظاهر مذهبی و ضد زن در حاکمیت و جامعه و خانواده بود. اما نباید فراموش کرد که پایان قوانین و مظاهر ارتجاعی مذهب، با تمام اهمیتی که دارد، هنوز مترادف با رهایی واقعی زن نیست و نخواهد بود. چنین تصویری که بر مبنای نگاه صرف "سکولاریستی" و "ضد اسلامی"، در برخورد به پدیده ستم بر زن بنا نهاده شده است، به نفس مبارزه آگاهانه و واقعی زنان و جنبش سوسیالیستی ما برای کسب همه آزادیها و برابریها را تضعیف و مخدوش کرده است. این نگاه بورژوازی و خرده بورژوازی به آزادی زن و واقعیت جدا ناپذیری این مبارزه از مبارزه طبقاتی، و شناخت این پدیده ساده که بقای چنین ستمی رکن مهمی از بقایای نظام حاکم طبقاتی حتی در پیشرفته ترین نظامهای سرمایه داری است، ما را دور نگاه میدارد. و بدین ترتیب مانند بقیه هیاهوهای "عامه پسند" فرمان قطار آزادی زن را در اختیار هر جنبش پوپولیستی، ملی گرایی، "اسلامی معتدل"، اصلاح گرایان" و غیره میدهد بجز صاحبان واقعی خود آن جنبش و مبارزین راستین رهایی قطعی از این ستم و نابرابری. هیچ پدیده ای در جهان امروز غیر طبقاتی نیست تا بتوان امر آزادی زن را غیر طبقاتی توضیح داد! چنین رویکردی به زیان قطعی جنبش رهایی زن تمام میگردد، همچنانکه تا بحال نیز چنین بوده است.

قوانین شریعت و قرآن، زشت ترین تبعیضات و سرکوب و نابرابری را برای زن به ارمغان آورده است، اما باید توجه داشت که نفس شریعت و قرآن نیز، با همه ظواهر خشن و عقب ماندگی اسلامی و ضد انسانی و قرون وسطی اش، اساسا بر بنیاد منفعت اقتصادی و تدارک ارزانترین نیروی خدمات دهنده در دوران محمد نیز تدوین و اعمال شده است. بدین معنی دین نه تنها "عقوبین توده ها" و ضد زن که سیاست و ابزار دست بخشی از بورژوازی مرتجع در راستای منطق اقتصادی و هدف بورژوازی "مدرن غربی"، که به درجه ای رام شده دست مبارزات آزادیخواهانه در غرب، از جمله از دوره انقلاب اکتبر به این سو است، قرار دارد. نه فقط تحت حاکمیت حکومتهای اسلامی، در کلیه مناطقی که از نظر اقتصادی "عقب مانده تر" محسوب میگردند، با یک درجه تفاوت، همواره شاهد وجود نابرابری گسترده تر بین زن و مرد هستیم. و این عقب افتادگی از نظر رونیائی نیز با خود فرهنگ و سیاست و شگردهای واپسگراتری در برخورد به زن به نمایش می گذارد. در سیستم های حکومتی "پادشاهی" - ملی گرایی تا جنبشهای ناسیونالیستی و قوم گرایی نیز، نابرابری زن و مرد غیر قابل کتمان است. در سیاست و فرهنگ کلیه آنها، در حاکمیت و در اپوزسیون، همان قوانین و فرهنگ ارتجاعی و "مدرن" و "متنوعی" را می بینیم که دوره ۱۴۰۰ سال پیش قرون وسطی پیغمبر مسلمانان، محمد، را به دوره کنونی "پیغمبر" بورژواهای مانند ترامپ ملی گرا و کلیه نظامهای بورژوا-دمکراسی طلبانه وصل کرده است. در ایران، پرچم شیر و خورشید، از خاندان شاه تا مجاهد، که ترکیبی از تصویر شیر و شمشیر "امام علی" نر، بر پرچمشان نقش بسته است و زن برایشان مفهومی جز "شیر زنان میهن" معنی ندارد، همه گواه بر نرسالاری بودن نظام طبقاتی حاکم، چه دینی و چه "سکولار" است که با بنیاد نظام جمهوری اسلامی فرق پایه ای ندارند. این مظاهر و سنتها اگر چه عقب مانده و اسلامی و مرد سالارانه و ملی گرایانه و ارتجاعی اند، اما کلیه آن سنن و مظاهر و عقب ماندگی حاکم انعکاسی از سیاست و عملکرد دولتها، احزاب و جنبشهای هستند که خود بخش تفکیک ناپذیری از جهان امروز سرمایه داری اند، نه تعلقشان به دوران قرون وسطی پیشا سرمایه داری.

با در نظر گرفتن حقایقی که اشاره گردید، و با پای فشاری بر ضرورت مبارزه هر روزه در جهت عقب راندن ارتجاع ضد زن، اما باید کاملا واقف بود که پایان دادن ستم بر زن در گروه عبور کامل از کلیه وجوه نظام طبقاتی حاکم و ارکانهای ایدئولوژیکی مذهبی و ملی و فرهنگی و اجتماعی آن است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد ۸ مارس ...

بدون کنار زدن نظام سرمایه داری و بدون استقرار سوسیالیسم و یک نظام بدون طبقه نمیتوان اعمال ستم و نابرابری بر زن و هیچ شکلی از تبعیض و استثمار را ریشه کن نمود.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، در راستای رسیدن به هدف نهایی خود، یعنی برابری زن و مرد و رفع تبعیض برحسب جنسیت، و تحمیل رادیکالترین مطالبات پیشرو جنبش آزادیخواه زنان، همه زنان آزاده و مبارزین راه آزادی و برابری را به پیوستن به تلاش مشترک برای تحقق مطالبات آزادیخواه زیر فرا میخواند:

۱- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی، تحزب، تشکل، تجمع، اعتراض و اعتصاب برای هر فرد و کلیه تشکلهای زنان و نهادهای و احزاب مدافع برابری زن و مرد.

۲- برابری کامل زن و مرد در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، خانوادگی و سیاسی. پایان دادن به امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان.

۳- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی، اشتغال، قوانین کار و بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر درازای کار مشابه برای زنان و مردان. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد.

۴- لغو کلیه قوانین عقب مانده فرهنگی، ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است، لغو هر نوع محدودیت سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، لغو جنایت ازدواج اسلامی کودکان زیر ۱۸ سال، لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت، و در ازدواج و طلاق مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات، آموزش و پرورش، اجتماعات، معابر و وسائل نقلیه عمومی. ممنوعیت هر نوع دخالتی در روابط شخصی، عاطفی و جنسی زنان از جانب دولت، مقامات، جامعه و خانواده.

۵- اعلام روز جهانی زن به عنوان روز تعطیل رسمی در کشور و آزادی هر شکلی از تجمع، اعتراض و جشن و گردهمایی به این مناسبت.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه زنان آزادیخواه، کارگران و جوانان پیشرو و کلیه کسانی که خواهان پایان دادن به نابرابری زن و مرد و تدویم ستم بر مبنای جنسیتی هستند به صفوف خود فرامیخواند.

زنده باد برابری زن و مرد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

نابود باد نظام سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

۱۳۹۶ اسفند

۲۰۱۸-۲-۲۴

دولت و روبنای سیاسی

سخنگویان جامعه بورژوازی چنین قلمداد میکنند که دولت یک نهاد ضروری است که برای اداره جامعه بر مبنای منافع عمومی و مشترک کل اعضای جامعه شکل گرفته است. نهادی که گویا اراده جمعی مردم را منعکس میکند و قدرت مشترک اعضای جامعه را به عمل در میآورد. گفته میشود که قوانین حاکم مجموعه ای از اصول بدیهی و طبیعی و مورد توافق آحاد جامعه اند و دولت ضامن و مجری این قوانین است. تصویر کردن دولت بعنوان یک نهاد مستقل و مافوق منافع طبقاتی متضاد درون جامعه، یک رکن اساسی ایدئولوژی بورژوازی است. این تلقی از دولت بویژه در کشورهای پیشرفته غربی که نظام پارلمانی با ثبات تری داشته اند ریشه قوی تری در میان مردم دارد. اما در کشورهای عقب مانده تر هم، علیرغم حاکمیت دولت های استبدادی و پلیسی، و علیرغم بدبینی عامه به دولت هایی که بر سر کار هستند، نفس لزوم دولت مورد سوال نیست و تلقی مردم از دولت بعنوان نهادی که وظیفه مدیریت جامعه را برعهده دارد به همان درجه قوی و ریشه دار است. گسترش نقش اقتصادی دولت ها و بویژه دخالت آنها در قلمرو خدمات اجتماعی و مدیریت و کنترل اقتصادی در چند دهه اخیر بشدت بر دامنه این توهمات افزوده است.

واقعیت اینست که دولت مهم ترین ابزار طبقه حاکمه برای تحت انقیاد نگاهداشتن توده های تحت استثمار است. تاریخا ظهور دولت حاصل بوجود آمدن استثمار، پیدایش طبقات و تقسیم جامعه به طبقات استثمارگر و تحت استثمار بوده است. علیرغم همه پیچیدگی ها در ساختمان دولت های امروز، دولت همچنان دستگاهی برای اعمال زور است و ارتش ها و دادگاه ها و زندان ها شالوده اساسی آن را تشکیل میدهند. دولت قوه قهریه سازمان یافته طبقه حاکمه است. دولت ابزار اعمال حاکمیت طبقاتی است. هر دولتی، مستقل از هر فرم و ظاهری که بخود پذیرفته باشد، چه سلطنت و چه جمهوری، چه پارلمانی و چه استبدادی، ابزار اعمال دیکتاتوری طبقه یا طبقات حاکم است.

در هر نظامی، حتی در خشن ترین برده داری های اعصار گذشته که در آن تعلق طبقاتی دولت پنهان نمیشد، طبقه حاکم نیاز داشته است مبنایی برای مشروعیت دولت خود بدست بدهد. سلطنت و حکومت موروثی، حکومت اشرافیت، حکومت مذهبی و الهی، قالب هایی برای این کسب مشروعیت بودند. در جامعه سرمایه داری، جامعه مبتنی به بازار که در آن کارگر و سرمایه دار عناصری "آزاد" تصویر میشوند که علی الظاهر یا به مبادله ای داوطلبانه و برابر میگذارند، حق رای و پارلمان و نظام انتخاباتی قالب اصلی کسب مشروعیت برای حاکمیت طبقاتی بورژوازی است. ظاهر مساله اینست که دولت ابزار حکومت همه مردم است و با رای مستقیم خود مردم تشکیل میشود. حق رای، انتخابات و پارلمان قطعا از نظر تاریخی دستاوردهای مهمی در تلاش مردم کارگر برای گسترش حقوق مدنی خویش محسوب میشوند. بدیهی است که زندگی در یک نظام لیبرالی بورژوازی به مراتب از زندگی در یک رژیم پلیسی و استبدادی قابل تحمل تر است. اما این قالب ها نمیتوانند ماهیت طبقاتی دولت معاصر را پنهان کنند. توده وسیع مردم کارگر حتی در پیشرفته ترین، با ثبات ترین و آزاد ترین نظام های پارلمانی، از کمترین قدرت تاثیر گذاری بر سیاست ها و اقدامات دولت برخوردارند. نظام پارلمانی توانسته است با اعمال خشونت کمتر و با دست بدست کردن مقامات دولتی میان بخش های مختلف طبقه حاکم از مجرای انتخابات عمومی دوره ای، حاکمیت بی چون و چرای کل بورژوازی بر حیات سیاسی و اقتصادی جامعه را تضمین کند. دموکراسی پارلمانی نه مکانیسمی برای دخالت مردم در امر حاکمیت، بلکه ابزاری برای کسب مشروعیت برای حاکمیت و دیکتاتوری طبقه بورژواست.

(برگرفته از برنامه حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

احمدی نژاد و روحانی و دارودسته سازگارا و شیرین عبادی چه هدفی را تعقیب میکنند؟

ابراهیم باتمانی



کشتند؟ و پنج هزار نفر را اسیر و روانه بازداشتگاههای خود کردید؟ و علت اصلی مرگ مشکوک چهار نفر در زندان که در زیر شکنجه جانیشان را از دست دادند چه بود؟

خامنه ای آدمکش باید این را هم بگوید اعتراضات جوانان و مردم معترض برحق بوده . با "عقب نشینی" فهرمانانه نمیتواند نظامش را از بحران عبور دهد و دوباره کلاه سر مردم بگذارد، حداقل ما چنین اجازه ای را نخواهیم داد. به اقرار خودت حکومت عدل اسلامیتان در فساد غرق است، معترضین هم همین را گفته اند!

چند روز پیش هم دوباره روباه مکاره، روحانی شیاد، آمد و گفت مردم حق دارند طبق قانون اساسی رفتارند کنند و در همه تصمیمات باید مردم دخالت کنند و شخص من خواهان رفتارندم هستم! . احمدی نژاد دلکج جنایتکار از چهرهای پوپولیسست عوامفریب دیگر حاکمیت و یار دیرینه خامنه ای آدمکش نیز نامه ای برای خامنه ای نوشته و تقاضای برگزاری "انتخابات فوری و آزاد" و غیره کرده است. سوال اساسی اینجاست چرا همه سران حکومت جنایتکار یکی پس از دیگری از حق مردم و رفتارندم و انتخابات آزاد و حقوق شهروندی و دهها حيله و عوامفریبی صحبت میکنند و با شتاب پا به میدان گذاشته اند؟ مگر اینها خود از بنیان گذاران و رهبران و مسولین درجه یک همین رژیم نیستند؟

به نظرم هدف اصلی و اول اینها این است که حکومت را از این بحران پیش آمده که کلیت نظام جمهوری اسلامی را در بر گرفته است را نجات و عبور دهند. شگردهای که همواره سران جمهوری اسلامی از روز اول تا امروز سر آن اختلاف واقعی داشته اند و امروز نیز با آن اختلافات هدف همه شان نقات کلیت نظام از سرنگونی و عبور از نفرت اجتماعی است. اینها به هیچ عنوان در فکر معیشت، امنیت و آزادیهای مردم زحمتکش نبوده و نیستند چرا که خود بانی چنین شرایطی هستند. و دوم اینکه خودشان هم میدانند که ماهیت و عملکرد شان برای اکثر جامعه روشن شده است و تاریخ مصرفشان تمام شده است. سوم اینکه یک مسئله مهم دیگر را باید در نظر گرفت، اینکه اکثریت مردم یعنی کارگران زنان و جوانان و محرومان جامعه و آزادیخواهان و برابری طلبان و انسانهای آگاه و مدرن و تحصیل کرده این رژیم را نمیخواهند و ماهیت این رژیم برایشان روشن شده و میدانند این رژیم قابل اصلاح نیست. همه آنها امتحان پس داده اند.

← ادامه

اعتراضات گسترده و بر حق جوانان بیکار و گرسنه و تشنه آزادی و سرنگونی طلب در هفتم دیماه در شهر مشهد جرقه زده شد و در عرض چند روز دهها شهر ایران را در بر گرفت و چنانکه ما دارای یک جنبش و حزب نیرومند سیاسی و توده ای و سوسیالیستی میبودیم، میتوانستیم مسیر چنین اعتراضاتی را به راه بهتر و تا سرنگونی فوری کلیت نظام اسلامی و سرمایه داری هدایت و سازماندهی می کردیم، خلا بسیار جدی که با ید آنرا دید و به سرعت باید رفع نمود. بخش محوری این حرکت جسورانه و از خود گذشتگی و انقلابی، سران رژیم جمهوری اسلامی را غافلگیر و کیش و مات کرد. این حرکت برحق و توده ای، سیلی بزرگی بود به صورت سران حکومت زده شد. آنان را متوجه کرد که این اعتراضات جدی است و شوخی بردار نیست. از این جهت در کنار سرکوب شدید به فریب و نیرنگ گسترده نیز روی آورده اند.

بلافاصله همه شان به تکاپو و التماس کردن و اوانس دادن افتادند تا بلکه بتوانند از زیر تیغ و قهر انقلابی و خروشان معترضان نجات پیدا کنند، تا بلکه بدین شیوه بتوانند کمر خود را راست کنند و به حاکمیت ۴۰ سال جنایتشان ادامه بدهند. در هنگام اعتراضات جوانان و مردم خشمگین از این رژیم سر تا پا فاسد، روحانی شیاد و آدمکش و دروغگو و عوامفریب گفت اعتراضات حق مردم است و گفت سران حکومت باید گوشها را باز کنند و بشنوند. بدون اینکه این اخوند عوام فریب و شیاد غم به ابرویش بیاورد و یا اشاره کند که ما ۲۶ نفر را از معترضان کشته ایم و پنج هزار نفر را دستگیر کرده ایم. بی شرمانه دم از اعتراضات و حقوق شهروندی میزند. بعد از چند روز خامنه ای هم در سخنانی تا حدودی به کم و کاستی ها اشاره کردند و گفتند که باید دولت به کم و کاستیها توجه بیشتر کند، و البته گفتند خارجیها پشت این حرکتها است.

در ادامه این تحولات که موقعیت "نظام" با خطر روبرو گردید شاخه های مختلف بورژوازی از درون حاکمیت تا بیرون آن از هر سو به تکاپو افتادند که راه نجات کلیت رژیم و مسدود کردن خطر سرنگونی از پائین را مسدود کنند. بحث مضحک "فراندم" از همینجا منشا گرفته است. از اینرو دو هفته پیش ۵ نفر از مهرهای جمهوری اسلامی که در تمام اعدامها و سر کوبها و دزدیها و جنایتهای جمهوری اسلامی در این چهل سال آگاه و دخیل بوده اند، به همراه تعداد دیگر ساده لوح و هم استراتژیک با اینها، بیانیه مشترکی امضا کرده اند. در این بیانیه آنها خواهان رفتارندم با حضور سازمان ملل شان شده اند؟!، درست یک هفته پیش خامنه ای جنایتکار نیز گفت فساد دولتی همه گیر شده، از "مردم و خدا" معذرت خواهی کرد! سوال این است چرا در جریان رویدادهای ۷ دیماه ۲۶ نفر از معترضین را

احمدی نژاد و روحانی و ...

شاهکار و راهکار

بیژن- ف

ویدیوی پانزده ثانیه‌ای پرت کردن دختر بدون روسری را دست کم نگیرید. خوب و با دقت آن را ببینید. تامل کنید. این یک شاهکار است. این گزیده و فشرده‌ی تقابل یک قرن حاکمیت و مردم است. تقابل یک قرن سرکوب و آزادیست. تقابل یک قرن سرکوبگری و آزادی خواهیست. اگر تمام یک قرن گذشته ایران را در پانزده ثانیه، بلکه فقط در پانزده ثانیه خلاصه کنیم به این ویدیو خواهیم رسید. حاکمیت که باید حافظ جان، مال، ناموس و آزادی مردم باشد اینچنین گستاخانه و بیشرمانه در انظار عمومی آزادی را به مسلخ میبرد. چه آن زمان مادرانمان در برابر کشف حجاب ایستادگی کردند و چه امروز دخترانمان در برابر حجاب اجباری. این وسط یک بازیگر مهم، تعیین کننده خواهد بود. حمایت و همراهی قاطبه مردم با آزادی خواهان یا سکوتشان در برابر حاکمیت سرکوبگر. آینده پاسخی روشن خواهد داد. فقط کسانی شایسته زندگی آزاد و شریف هستند که برای آن تلاش میکنند. به آینده بسیار خوشبینم و مطمئنم آزادی را به آغوش خواهیم گرفت. چون آزادیخواهانی بزرگ و شریف در این سرزمین هستند. چون آزادیخواهی صرفاً خواسته تعدادی محدود نیست بلکه یک خواست عمومی است. چون دختران آن پلیس هم از کار پدرشان شرم میکنند. به آینده امیدوارم. آن پلیس هم باید به دخترانش قول بدهد دیگر هیچ سرکوب نکند. این یک راهکار است. بلکه احترام حاکمیت به خواست آزادی جامعه.

سوم اینکه یک مسئله مهم دیگر را باید در نظر گرفت، اینکه اکثریت مردم یعنی کارگران زنان و جوانان و محرومان جامعه و آزادیخواهان و برابری طلبان و انسانهای آگاه و مدرن و تحصیل کرده این رژیم را نمیخواهند و ماهیت این رژیم برایشان روشن شده و میدانند این رژیم قابل اصلاح نیست. همه آنها امتحان پس داده اند. اکثریت مردم میدانند این رژیم از خامنه ای تا روحانی و احمدی نژاد و قاسم سلیمانی و جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران و اخوندهای مفت خور دیگر همه و همه سر تا پای وجودشان، دروغگویی و دزدی و آدمکشی قاطعی خون و رگشان شده و بخشی از هویت کنیفشان شده است و هیچ علاجی هم ندارد. زنان و کارگران و انسانهای شرافتمند میدانند تا این رژیم به حیات نگین خودش ادامه دهد هیچ تغییر و تحولات مثبتی به نفع زندگی و رفا و آسایش و حرمت و کرامت این مردم بوجود نمیآورد. راه حل و هدف کارگران و زنان سرنگونی کلیت نظام جمهوری اسلامی میباشد.

از اینرو طرح رفراندم نه فقط از زبان امثال روحانی و احمدی نژاد که از زبان اپوزسیون رانده شده درون حاکمیت و از زبان ۱۵ چهره بی ربط به مبارزه آزادیخواهانه در ایران دقیقاً همان تلاشهای هستند برای نجات دادن کلیت رژیم، به هدف گرفتن امتیاز جناحی از همدیگر، و ایجاد توهم و پخش فضای ضد انقلابی در درون جامعه که به جای مبارزه و اعتراض و انقلاب و سرنگونی، دوباره در فکر اصلاح و انتخاب بین بد و بدترها باشند. این شنیدنیترین شگردهای است که باید مورد انزجار هر انسانی قرار بگیرد که ارزوی دست یافتن به آزادی و برابری و پایان دادن به حاکمیت مملو از جنایت و کشتار و فساد چهل ساله جمهوری اسلامی را دارد. هدف رفراندومچیهای بیرون حکومت هیچ تفاوتی با هدف بخشی از پیگیره خود نظام فاسد اسلامی ندارد و باید این پروژه و حامیانش از جانب جامعه طرد شوند!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران از طبقه کارگر و رهبران کارگری، زنان و جوانان، آزادیخواهان و برابری طلبان و انسانهای شرافتمند و تشنه آزادی میخواهد دست در دست هم بگذارند و با اتحاد و همبستگی و انتخاب سیاست و حزب درست و داشتن نقشه روشن هر چه زودتر از دست این رژیم نکبت نجات پیدا کنیم. باید بدون چون و چرا کلیت این نظام را سرنگونش کرد و به عمرش پایانی داد.

حزب سوسیالیست انقلابی از شما انتظار دارد با دید باز و روشن و با تامین صف مستقل طبقاتی خود حرکت کنید. مواظب باشید جناحها و شخصیتهای جانی جمهوری اسلامی، ناسیونالیستهای ایرانی و سلطنت طلبهای امتحان پس داده، جبهه ملی ها، مجاهدین خلق و ناسیونالیستهای کورد و ترک و فارس و قوم پرستان، و هیاهوی رادیوی بی بی سی و دیگر مدیای غربی و امریکا، شما ستم دیدگان را به نیروی خودشان تبدیل نکنند. آنهایی که اشاره کردم به منافع ما کارگران و زنان ستمدیده هیچ ربطی ندارند و در آینده هم نخواهند داشت. همه آنها در جبهه استبداد، سرکوب، زندان، نابرابری، و سرکوب آزادی واقعی کارگران و زنان و اکثریت جامعه قرار دارند. خنگ آنها با هم جنگ درون خوانودگی است نه جنگ آزادی علیه استبداد، ظلم، خرافه، اسلام، و سرمایه داری!

راه نجات ما مبارزه برای استقرار یک حکومت سوسیالیستی و کارگری است. در نظام سوسیالیسی همه انسانها از زن و مرد همه برابر و آزاد خواهند بود و امنیت و رفا و خوشبختی و شراکت برابر در اداره کشور و جامعه متعلق به همه خواهد بود! این شعار نیست، یک حقیقت است!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری

نه شاد نه شیخ، نه قومی نه مذهبی، نه ملی اسلامی ها، نه فدرالیست چی ها، نه اسلام مجاهدینی، نه سیستم رعیت پروری پادشاهی، مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه میکنیم!

بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد!

سلام زیجی
S_zijji@yahoo.se

کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!

برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید! این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس
iransocialist2017@gmail.com.

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

زنده باد روز جهانی زن!

عزیز عبدالله پور



حتی برای رفتن و سر دادن به خانواده خودشان، مردان باید همراه آنها مثل "سگ نگهبان" با آنها باشند که خدای نکرده در طول راه مرد دیگری نظر بد به

آنها بیاندازند یا آنها نظر بدی به مردان دیگر. وظیفه زن سکس داشتند با همسر نالایق و بچه برای آنها درست کردن است. وظیفه زن بنا به شرع اسلام و حتی مسیحیت و دین های دیگر، خانه داری، بچه بدنیا آوردن و خدمت کردن به مرد است. وظیفه زن وقتی مرد به بیرون از خانه می رود تمیز کردن خانه بعنوان یک کلفت، بچه داری و غذا آماده کردن برای مردان خانه است که در بعضی موارد پسران ۱۲، ۱۱ و به بالا تر سن تصمیم گیرنده بر سر مادر و خواهرانشان هستند تا وقتی پدر به خانه برمی گردد. این فرهنگ و آداب و رسوم مذهبی را از بچه گی به دختران و پسران خانه می آموزند که پسران بالا دست دختران هستند و دختران فقط باید از جنسیت مرد بعنوان صاحبان خود به آنها خدمت بکنند، یعنی تا آخر عمر زیر دست مردان باشند و حق هیچ اعتراضی را نیز نمیتوانند در چنین شرایطی داشته باشند، ندارند.

متأسفانه خشونت در خانه ها و بیرون از خانه، یعنی در خود جامعه بر زنان و دختران به وحشی ترین شیوه ها هر روز بازتولید می شود و در کشورهای فقیر نشین و زیر سلطه مذهب این مشکل اساسی تا وقتی ما انسان های زنده ساکت باشیم ادامه خواهد داشت.

←
ادامه

اولین مراسم روز زن در تاریخ ۲۸ فوریه سال ۱۹۰۹ در نیویورک برگزار شد. این مراسم توسط حزب سوسیالیست آمریکا، برای یاد بود اعتصاب " اتحادیه جهانی زنان کارگر صنایع پوشاک " در سال ۱۹۰۸ سازمان یافت.

مرکز میلیون ها زن زیر فشار ستم جنسی و بنام این که دختر بدنیایا آمده اند و زیر دست حکومت فاشیستی پدران، برادران و حتی مردان قوم و خیش تا روزی که ازدواج می کنند یا بزور ازدواج داده می شوند ادامه دارد، و فردا زیر دست شوهر و کل خانواده شوهر به زندگی، زنده بمان و نمیر خودشان ادامه می دهند.

زیاد دور نرویم و حتی احتیاجی نیست که به گذشته برگردیم که نمونه های وحشیگری و ستمگری بر زنان و دختران را بشماریم. قبل از هر چیز ستم قابل شمارش نیست و نمی تواند باشد، اما امروز در کشور هایی که در آن اکثریت مردمان آن در فقری بسر می برند و حکومت ها آن ها را در فقری نگاه می دارند، بیشترین ظلم و ستم بنا به گفته آنها به اسم آداب و رسوم و فرهنگ جامعه و خرافات مذهبی بر گردن زنان زنجیر کلفتی انداخته اند که اسمش شرف است، و این شرف مرد است که لطمه می خورد وقتی زن از خانه بیرون بیاید و جلوی خانه اشان را جارو بزند. "مرد باید در خانه باشد، آنوقت زن یا دختران خانه می توانند در جلو خانه اشان مشغول کار و زحمت کشیدن باشند".

حرف زدن با مردان دیگر حق زن نیست، مشورت با فامیل حق زن نیست. ملاقات خانواده باید با اجازه مرد باشد.

آدرس مایل و تلفن
تماس با تشکیلات
خارج کشور حزب
سوسیالیست انقلابی:

ssaid1268@
yahoo.no

004745916488

کشور ایران، دوبار، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب گر شوینستی- سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونستی، هر دو حافظ یک مشمت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و جنبش سوسیالیستی مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و پایی فشاری بر صف مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن، شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از پوپولیسم بازی و "همه با هم" بودنهای فریبکارانه، و دست بردن به ابزارهای سرنگونی طلبانه به شیوه انقلابی در بعد کارگری، توده ای، حزبی، مسلحانه، و اتکا صرف به مبارزه و سیاست و صف مستقل و واحد سوسیالیستی جنبش خود!

lransocialist2017@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد روز جهانی زن...

شرکت دارند. زنان و دختران بجرم بی حجابی شلاق می خورند، کتک کاری می شوند حتی در خیابان ها و هیچ کس دخالتی نمی کند و فقط تماشاچی هستند. دختران سوزانده می شوند، به دار آویخته می شوند. مردان یا زنان مذهبی وقتی که جنایت ختنه دختران را انجام می دهند اسم آنها وظیفه مذهب و پرهیز از خطای زن جار میزنند. این وحشی گری هنوز سرنوشت صدها هزار دختر خردسال را رقم میزند.

در ایران تا دیروز سنگسار زنانی که هیچ احترامی برای فرهنگ و آداب و رسوم مذهبی و مردسالاری نداشتند مد روز جمهوری اسلامی ایران بود. امروز زندانی کردن، شکنجه و اعدام زنان و دخترانی که حجاب هایشان را از خیابان انقلاب گرفته تا کل کشور پائین می آورند مد است و مردم بی لیاقت حاضر در صحنه نیز فقط تماشاچی این وحشی گری جمهوری اسلامی هستند. آیا واقعا نمی شود، که باید بشود، ۳۰۰ تماشاچی یک دختر که با قهرمانی به مبارزه با جمهوری اسلامی و حجاب و برای آزادی حجابش را پائین می آورد دفاع کنند و یک ماشین پلیس یا گشت ارشاد و سپاه پاسداران را آتش بزنند؟ باید آتش بزنند. مردم برای نان مبارزه می کنند که باید مبارزه بکنیم، تا وقتی این رژیم ضد انسان را بزیر بکشیم و آزادی و برابری را پیاده کنیم. کسانی از دختر خیابانی که بنظر من شجاعانه ترین حرکت امروز مبارزه با مذهب را نمایندگی می کند هیچ دفاعی نمی کنند و تماشاچی هستند و فیلم می گیرند، اقدامی مناسب اما بسیار ناکافی.

در ایران، افغانستان، پاکستان و غیره اسید پاشی و جنایت آفرینی علیه زنان و دختران خردسال از جانب حاکمیت و مزدوران وحشی جیره خوار اسلامی هر روز رخ می دهد و متأسفانه تا وقتی نظام حاکم اسلامی و مرد سالار باشد، تا زمانی که اعتقادات و آداب و رسوم مذهبی و ناسیونالیستی مجهز باشند این حرکتها غیر انسانی ادامه خواهد داشت. این جا نمی شود در مورد حقوق برابر یا رفتار برابری با این کثافت کاران حرف زد بلکه باید سرنوشتشان کرد و به یک جامعه آزاد، برابر و رفاه انسانی رسید، یعنی یک جامعه سوسیالیستی و کمونیستی که در آن کلیه شئون مذهب و ضد زن نیز از بین خواهد رفت.

زنان و مردان مبارز و کمونیست!

کارگران و زحمتکشان مبارز و کمونیست، حزب سوسیالیست انقلابی ایران را بدست بگیرید تا بتوانیم در مبارزه خودمان برای آزادی، برابری، حکومت کارگری و رفاه انسان به پیروزی برسیم. تا بتوانیم به استثمار انسان بدست انسان خاتمه بدهیم. تا بتوانیم نظام های ضد زن اسلامی و سرمایه داری را سرنگون کنیم. بدون تشکل و تحزب ما به جایی نخواهیم رسید. متحد شویم و دست در دست هم به میدان بیایم تا بتوانیم رژیم وحشی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان رژیم بربریت و جاهلیت و ضد آزادی زن، را از سر راه برداریم و بر ویرانه های آن یک نظام آزاد، برابر و سوسیالیستی بر اساس برابری کامل زن و مرد، برابری کامل شهروندان، و لغو هر شکلی از ستم و تبعیض بر حسب جنسیت، برقرار کنیم. **زنده باد روز جهانی زنان مبارز و کارگر و کمونیست!**

همان گونه که کارگر توسط سرمایه دار به انقیاد کشیده می شود، زن نیز تا زمانی که از نظر اقتصادی مستقل نشده، در بند مرد باقی خواهند ماند. (کلارا زتکین)

متأسفانه خشونت در خانه ها و بیرون از خانه، یعنی در خود جامعه بر زنان و دختران به وحشی ترین شیوه ها هر روز بازتولید می شود و در کشورهای فقیر نشین و زیر سلطه مذهب این مشکل اساسی تا وقتی ما انسان های زنده ساکت باشیم ادامه خواهد داشت.

یک مشاهده کوتاه: دختران و زنان حق ندارند بدون یک سرپرست یعنی یک جنسیت بالا دست (مرد) یا پسران فامیل از خانه بیرون بیایند. کافی است زن خانه نشین غذا را تا سروقت آمدن مرد، شوهر به خانه آماده نکرده باشد. اولین حرکت مرد آمدن با شلاق و یا فحش بطرف همسرش است و شروع می کند به بد و بیرا گفتن و فحاشی کردن که چرا غذا روی میز نیست وقتی او ۸-۹ ساعت کار کرده و به قول شوهر زحمت کشیده و نان خانه را تهیه کرده است. آدم فکر می کند که همسر، زن خانه ۸-۹ ساعت مشغول استراحت کردن بوده و کل وقت روز را در خوشی گذرانده است. آدم فکر می کند که نگاه داری بچه ها، غذا تهیه کردن برای آنها، لباس شستن ها، خانه تمیز کردن های هرروزه و بدون وقفه، بچه ها را به مدرسه فرستادن و تحویل گرفتن و بزرگ کردن آنها، بزرگ کردن بچه ها با باد هوا به جلو می رود.

امروز بعد از صدها سال مبارزه زنان و مردان مبارز کمونیست و سوسیالیست در کشورهای اروپایی توانسته اند به خیلی چیزها دسترسی داشته باشند. حتی در همین جامعه بورژوازی بتوانند در پارلمان ها نمایندگی مردم که نه، بلکه نمایندگی جامعه سرمایه داری باشند. چون مردم "حق" دارند ۴ سال یک بار به کسی که شاید کمی با نظرات آنها نزدیکی دارد رای بدهند، و تا حدی پیشرفت دیده میشود. اما در این جوامع نیز زن هنوز حق برابری کامل با مرد یا در محل کار و غیره ندارد. تا جامعه کاپیتالیستی باشد، حقوق برابر در ازاء کار برابر فعلا نمی تواند قابل بحث باشد. حق مرخصی دوران حاملگی و دوران بعد از زایمان که البته مردان نیز در این دوران می توانند و حق دارند که مرخصی بگیرند، که می گیرند، که با بچه های تازه بدنیا آمده باشند را زنان بدست آورده اند. حق سقط جنین خوشبختانه خیلی پیشرفت کرده، یعنی زنان حق دارند که تا دوران ۱۲ هفتگی به عمل سقط جنین دست بزنند یا نزنند. فراموش نکنیم که مسیحیت هنوز در بخشی در جامعه نفوذ دارد و بیشترین کمک مالی را دولت به کلیسا ها از مالیات مردم به آنها پرداخت می کند. مالیاتی که دولت می گوید برای رفاه جامعه است، که برای رفاه نیست، بلکه برای ارتش، پلیس و بمب هایی که بر سر مردم عراق، افغانستان، سوریه و یمن و غیره می افتد و سرمایه گذاری های کلان در کشورهای مختلف مثل کشورهای ویران شده در جنگ و کشورهای هابی که قرار است در آینده بجنگ کشیده بشوند و ویران بشوند.

بلحاظ مذهبی خوشبختانه اکثریت زنان و دختران و پسران اسکانداوی، و اروپا، مذهبی نیستند. بلحاظ فرهنگی و اجتماعی مردم خیلی پیشرفت کرده اند که البته مسئله اقتصادی بعد از سال ها مبارزه در این کشورها بزرگ ترین تاثیر را بر روی زندگی مردم داشته است. رئیس جمهور زن، وزیر کشور زن، رئیس پلیس، وزیر خارجه زن و غیره را داریم که متأسفانه در خدمت جامعه سرمایه داری و برای جامعه سرمایه داری کار می کنند، و اکثریت آنها می گویند که فن نیست هستند. در کشورهای هابی که ما می شناسیم و در آن بدنیا آمده ایم. زن یک کالا است که همه می توانند بخرند و از آن استفاده بکنند، و یا در خیابان ها بجرم نگاه کردن به یک پسر یا سکس داشتن با یک پسر سنگسار می شوند و خیلی ها تماشاچی می شوند و خیلی وقت ها در آن مراسم های ضد انسانی و در آن وحشیگری

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



سطح معیشت کارگران جای تردیدی نیست و عملاً نیز این تشکلهای در این راستا قدم برداشته اند. این تشکلهای به اصطلاح کارگری در ایران، در هر اعتراض و اعتصابی، نقش مخرب خود را به نمایش میگذارند. دولت روحانی در هر دو دوره از کابینه خود، جان تازه ای به این تشکلهای داده است تا بتواند آنها را بیشتر در خدمت دولت خود بگمارد و بکار گیرد.

با گسترش ابعاد و دامنه اعتراضات و مبارزات کارگری در هر دوره و در پیگیری از خواست و مطالباتشان، ضرورت فعال کردن این نوع تشکلها برای مقابله با این اعتراضات و مبارزات از درون در صفوف کارگران، برای جمهوری اسلامی اهمیت خاص پیدا میکند. بدون شک امروز نیز این تشکلهای به همین امر بکار گرفته میشوند. در روز چهارشنبه دوم اسفند ۱۳۹۶ در اعتراض کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به لایحه بودجه سال ۹۷ در برابر ساختمان قدیم مجلس همین نقش را بازی کردند.

اما از آنجا که سرکوبگری دولتی نتوانسته است مانع جدی در گسترش اعتراضات کارگری گردد، تشکل های دولتی بار دیگر فعال شده و به جلوی صحنه مبارزات کارگری رانده شده اند. آنها موظف شده اند که همراه و همگام با سیاست سرکوب، مانع حرکات مستقل کارگری شوند و اعتراضات و مبارزات کارگران را تحت کنترل بگیرند. در واقع تشکل های دولتی تلاش دارند اعتراضات کارگران را به سمتی هدایت کنند که دولت برای تأمین امنیت سرمایه و ملزومات لازم برای پیشبرد سیاست هایش مدنظر دارد. از اینرو این نوع تشکلها را نمی توان یک تشکل کارگری دانست بلکه بر عکس ضدکارگریند. مبارزه برای ایجاد تشکل های رزمنده و مستقل کارگری از مبارزه بر علیه نوکران و چماق به دستان رژیم که تحت عنوان خانه کارگر و شوراهای اسلامی دور هم جمعشان کرده اند، جدا نیست.

راه پس زدن تشکل های دولتی ایجاد تشکلهای مستقل از دولت است

در چنین دوره ای بیش از هر زمان دیگری ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری-توده ای مستقل از دولت، و برخورد فعالتر

ما برای زندگی بهتر میجنگیم!

عزیز آجیکند

در هفته ای که گذشت اعتراضات کارگری در نقاط مختلف ایران چون آتش زیر خاکستر هر دم بیرون زد و موج آن فروکش نکرد.

شعارهایی از قبیل " نان، مسکن، آزادی، " خط فقر ۵ میلیون، " فریاد فریاد از این همه بیداد "، " حقوق ماریالیه، هزینه ها دلاریه "، سلامت و منزلت و معیشت " حق ماست، در اعتراضات روزهای اخیر از سوی کارگران طنپیده شد و بروی پلاکاردهای دست کارگران نگاشته شده بودند.

تجمع بازنشستگان در مقابل مجلس، اعتصابات کارگران فولاد اهواز، اتحاد و اعتصاب کارگران هفت تپه، اعتراضات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی عضو پروژه سپیدار، اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه چوکا و شرکت جنگل سفارود، تجمع اعتراضی کارگران دکل ملی حفاری، اعتصاب کارگران در پتروشیمی مخازن سبز عسلویه، تجمع کارگران نوب آهن مقابل ساختمان اداری توحید نوب آهن، تنها گوشه کوچکی از فضای اعتراضی و فضای مبارزاتی در جامعه کارگری را در روزهای گذشته در ایران به نمایش میگذارد.

امروز سیاست های دولت و ابعاد گرانی، تورم، بیکاری، فقر و فلاکت و بی حقوقی هایی که به کارگران تحمیل شده است زمینه های عینی گسترش اعتراضات کارگری و برپائی یک جنبش عظیم مطالباتی را در ایران فراهم آورده است. عجز و درماندگی دولت سرمایه داری روحانی، همانند همه دولت های نماینده سرمایه داری در ایران، در پاسخگوئی به وضعیت معیشت کارگران و توده های تهیدست جامعه نیز به بستری برای تشدید نزاع های باندهای درون حاکمیت تبدیل شده است.

جایگاه تشکلهای دولتی در اعتراضات و اعتصابات اخیر

طبق تعریف تشکل های رسمی "کارگری" ظاهراً باید این تشکلهای که زیر نامهای تشکلهای زرد مانند، خانه کارگر و اتحادیه های پیشکسوتان جامعه کارگری و کانون عالی شوراهای اسلامی کار، در فعالیت هستند، می بایست جانب کارگر در مبارزه علیه اجحافات کارفرمایان و دولت حامی آنان را گرفته و از حق و حقوق کارگران در همه اشکال ممکن دفاع نمایند. اما رسمی و دولتی بودن، آنها را نه در جبهه کارگر، بلکه در جبهه کارفرمایان و دولت قرار داده و عملاً این تشکلها به مانعی در مقابل خواست و مطالبه کارگران و اعتراضات و مبارزات آنان قرار گرفته اند.

نقش بازدارنده و مخرب چنین تشکلهایی در ممانعت از بالای رفتن سطح توقعات و انتظارات کارگران و در پایین نگه داشتن

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!



گزارشی از شرکت رفقای حزب سوسیالیست انقلابی در سمینار مربوط به عفرین در کردستان عراق

روز سه شنبه تاریخ ۲۰ فوریه سال ۲۰۱۸ سمیناری با شرکت گروه‌ها و احزاب مختلف سیاسی، فعالان سیاسی و مدنی، فعالین زنان و اندی چند از شخصیت‌های مختلف در کردستان عراق، برای محکوم کردن یورش گسترده ارتش فاشیست ترکیه به شهر عفرین، برگزار گردید.



رفقای حزب سوسیالیست انقلابی ایران از جمله کسانی بودند که در این سمینار شرکت فعال داشتند. در این سمینار رفیق تینا خلیفه ای از رفقای حزب سوسیالیست انقلابی به ایراد سخنانی پرداختند.

رفیق تینا با محکوم کردن یورش جنایتکارانه ارتش فاشیست ترکیه به عفرین، سیاستها و اهداف ترکیه را از حمله به عفرین را مورد ارزیابی قرار داده و به روشنی در مورد سیاستهای حزب سوسیالیست انقلابی در ارتباط با اهداف ترکیه از این حمله جنایتکارانه، سخن گفتند. در این سمینار اکثر نمایندگان احزاب شرکت کننده ضمن استقبال از حضور حزب سوسیالیست انقلابی در سمینار و مواضع اعلام شده حزب در قبال رویداد عفرین، از برقرار تماس با حزب سوسیالیست انقلابی ایران استقبال نموده و در این رابطه با مسئول ارتباطات حزب، رفیق زاگرس ابراهیمی که در نشست حضور داشتند، گفتگو کردند.

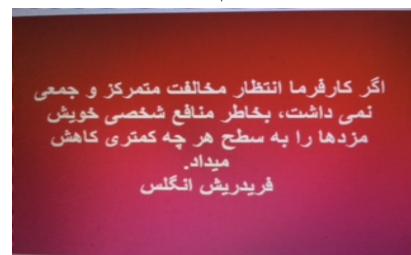
احزاب و فعالین شرکت کننده در سمینار از جمله عبارتند بودند از:
حزب شیوعی کردستان
حزب سوسیالیست انقلابی ایران
جنبش آزادی کردستان
حزب زحمتکشان کردستان عراق
رژاک
روزنامه و منبع خبری شار پرس

پارتی دمکراتیک کردستان سوریه (پ ی د)

ما برای زندگی بهتر ...

منتقدانه و افشاگرانه و آگاهگرانه فعالین، نهادها و تشکلهای کنونی کارگری علیه تشکلهای دولتی که به نام "کارگر" فعالیت دارند، احساس میشود. در غیاب چنین تلاشی و بدون حضور متشکل و متحد طبقه کارگر در پیشبرد مبارزه طبقاتی خود و طرح مطالباتش نه تنها راه پیشروی جنبش ما مقدور نمی گردد بلکه میدان بازی تشکلهای دست ساز جمهوری اسلامی برای پس زدن مبارزه رادیکال کارگری هموارتر میگردد. ایجاد وحدت در مطالبات و شعارها گام مقدم هر نوع تشکیلیابی و قدرت مبارزاتی در هر مبارزه ای کارگری میباشد. مطالبات و شعارهای واحد به فعالین و پیشروان کارگری امکان می دهد تا روحیه همبستگی و آگاهی طبقاتی، تشکل پذیری و اعتماد بنفس و ایمان به قدرت طبقه کارگر را در میان کارگران بالا ببرد.

اکنون که همه کارگران با معضل دستمزدهای پایین تر از خط فقر، و اخراج و بیکارسازیهای گسترده روبرو هستند، اگر بتوانند در این زمینه ها شعار های واحدی را تثبیت کنند و همگام و همصدا برای به کرسی نشاندن حقدست ۵ میلیونی در سال ۹۷ اقدام کنند، آنگاه اعتراض در هر مقطعی بر سر این خواست برحق آنها می تواند بصورت یک خواست عمومی و طبقاتی مطرح شود و کلیه کارگران را به دخالت در تثبیت این خواست و حمایت و همبستگی بیشتر برای مبارزه حول افزایش دستمزد، در دوره کنونی به میدان کشاند. چنین تلاش و مبارزه و مطالبه ای میتواند به ایجاد تشکل های کارگری متعلق به خود کارگران منجر گردد اگر رهبران و فعالین پیشرو و سوسیالیست این جنبش به تحرک در بیابند و جانانه اقدام نمایند.





او هنوز نفس میکشد..!

ع. نانه کی

ارکستر هماهنگی در این دیار به راه انداخته. سگی پارس می‌کند و پرنده‌ای که روی درختی بالای سر نشسته بالاهایس را تکان میدهد و به پرواز در می‌آید. از سربالایی بالا میکشیم .. نگاهم به اوست ، می‌خواهم بالا رفتن را از او بیاموزم . با قامتی خمیده از صخره‌ها بالا می‌رود سرعتش را بالا میبرد.

دستان ترک خورده اش را به طرف من دراز میکند و من را بالا میکشد. روی تخته سنگی مینشیند و زبان سخن می‌گشاید..

چشمهایش میدرخشد .چوب کوچکی در دست میگیرد و در دستاش می‌چرخاند و آن دورها را می‌پاید .. زندگی سختی داریم .. خانه مال خودمان نیست و باید اجاره اش را در بیاورم .. ۶ ماه میشود اجاره اش عقب افتاده .. کسی را نداریم و پدر و مادرم فوت کردند و تنها برادرم هم سال ۱۳۷۴ اعدامش کردند .. میگفتند سیاسی بوده نمی‌دونم شاید راست میگفتند .

کولبری شاید آسانترین کاری است که من انجام میدهم .. قبلا رختشویی میکردم ولی کفایت نمیکرد.. گاهی هم برای درآمد بیشتر نان برای مردم درست میکنم .. کولبری میکنم چوپانی میکنم.. یه لحظه سکوت شب شکسته می‌شود و صدایی په گوش میرسد.. کنجکاو میشود و دوروبر را به خوبی می‌پاید .. آهسته چند متر آتور تر را نگاه میکند و خیز آهسته ایی به خود میگیرد .. به طرف سنگ بزرگی خیز بر میدارد .. لیز میخورد و با حرکت سریعی خودش را جمع میکند خودش را به پشت سنگها میرساند و به آن تکیه میدهد . خود را بهش میرسانم .. سایه های سیاهی از تاریکی شب پدیدار میشوند و به سمت ما در حرکتند .. آه آهسته ای میکشد و با خنده میگوید از خودمان هستند کولبران .. مال فلان آبادند .. ساده و با لهجه کردی میگوید اینست زندگی ما.. میدونی برادر زندگی سخت نیست برما سختش کرده اند !!

شعری را که من احساس میکنم برای همسرشان است را با زبان شیرین کردی زمزمه میکند..

اسیر یاد توام ، اسیری که تا قیامت یادت در خاطر من است همچون شاهین اسیر در چمند که میتلای بال خویشتن است .. لحظه های تاریکی دارند به پایانی نزدیک میشوند و خورشید کم کم در حال طلوع کردن است .. کولبرها که اکنون به ۲۰ نفر رسیده اند راه خود را در دل کوههای ادامه میدهند .. پرنده گان ارکستر تازه ای به راه انداخته اند و گویی روز نو را بهم شاد باش می‌گویند. جلوتر از ما گویا زنان کولبری دیگری هم هستند که دارند پیچ می‌کنند .. با اشاره به او میگویم زن هستند .. او می‌خندد و می‌گوید اینجا کردستان است.. همه مثل همنند و زنان و مردان دوشا دوش هم برای زندگی می‌جنگند .. اینجا مردم ناگزیر کولبری میکنند چون کار نیست .. اینجا تن آدمی خسته نمیشود اما در برابر نان حراج میشود ..

اینجا کردستان قلب تپنده ایران است هوا سرد است . اما در میان این مردمان و این زنان زحمتکش احساس سردی نمیکنی .. همه به هم کمک میکنند .. دستان همه پینه بسته اند اما قلبان بزرگی دارند..

هوا روشن است و از دور کولبران دیگری را می‌بینی که همه روز را به هم شاد باش می‌گویند.. اینجا همه مثل همنند و روزها و شبها باید رفت و رفت و رفت و سخت کوشید او می‌رود تا بار خود را آماده کند و نانی بر سر سفره بجه هایش بیاورد و منم مات و حیران زندگی را به تماشا نشسته ام و مقاومت و سختکوشیشان را در برابر مشکلات زندگی تحسین میگویم....

زندگی اینجا با همه سختی هایش قشنگ است و اما کماکان زندگی ادامه دارد...

با خودش کلنجار میرود... گاهی صحبت‌هایی بر زبان می‌آورد . زیاد نمی‌فهم که می‌خواهد چه چیزی را دکلمه کند و یا از چه می‌خواهد بگوید...؟! .. همسرش پارسال هنگام کولبری برای اینکه به میدان مین نیافتد ، راه امن تری را انتخاب میکند اما در هنگام بازگشت سینه هایش با گلوله قصابان مرزی شکافته میشود و برای همیشه از دیدگان گم میشود .. گاهی میگفت که ای کاش از همان راه میرفت و راه دیگری را انتخاب نمیکرد .. حداقل شاید او را از دست نمی‌دادیم و به از دست دادن پاهایش و یا عضو دیگری از بدنش عادت و قناعت میکردیم ... هنوز دوتا پسر منم دانند که سایه پدرشان بالای سرشان نیست ... جرات گفتن ندارم چون میدانم نمیتوانم اشکهایشان را بشمارم ... دستانش میلرزد و گونه هایش خیس میشود.. آب تعارف میکند ، اما من ترجیح میدهم که ادامه دهد..

دامن لباس زنانه سرمه‌ای با گل‌های نارنجی‌اش را در شلوار مردانه کردی مشکی که به پا دارد پنهان میکند. احساس دل‌تنگی دارد . سرش را پایین می‌اندازد و با دو انگشتش قالی کهنه روی کف اتاق را می‌مالد.. گهگاهی هم اونور پستوی خانه را می‌پاید و برای لحظه ای در خود گم میشود.. چین های صورتش از دردهایی گویند که سالیانیست در اعماق وجودش جا خوش کرده اند .. بهش نمیاد سن بالایی داشته باشد .. اما با سختی های زندگی کنار آمده است.

با دستاش عقربه های ساعت را نشانه میرود و می‌گوید که وقت رفتن است .. سفری را با هاش در اعماق کوههای سر به فلک کشیده کردستان آغاز میکنم.. می‌گوید اگر طاقت نداری نیا و بی خیال گزارش شو .. اما من سرم را به نشانه نه تکان میدهم و می‌گویم این سفر ارزش دیدن را دارد .. با لهجه شیرین کردی صحبت میکند و می‌گوید " کورخاس مانگ نه بی " یعنی پسر خوب خسته میشوی .. اما من ترجیح میدهم خسته شوم و در این سفر باهاش بمانم ..

بالتوی خاکی امریکائیش را می‌پوشد و پوتینهایش را پا میکند و بندهایش را محکم به دور پاهاش قفل میکند . برای چند لحظه موی بدنم سیخ میشود ...

شب سختی در پیش داریم و انگاری حالا حالا ها نمی‌خواهد روز شود ... شاید زمان ببرد تا کمی به تاریکی عادت کنیم .. او از جنس ما نیست و می‌رود و می‌رود و می‌رود ... گامهای بلندی بر میدارد و به من می‌خندد..

کم میارم .. بارها شنیده بودم که زنان کردستان دنیا دیده و سختکوش و باتجربه هستند.. با دیدن او و با قامت بلندش و با روحیه اش که می‌خواهد به جنگ زندگی برود ، با لمس کردن دوتا انگشتانم به نشانه آره راست گفتن ، او را تشویق به رفتن میکنم ..

بادی که درحال وزیدن است از لای تاروپود لباس‌هایمان عبور می‌کند و لرزه به تن می‌اندازد. گونه‌ها و نوک بینی ها به سرخی می‌زند. با هر بازدم بخاری از دهان بیرون می‌زند و در چند ثانیه محو می‌شود. صدای پاهای در هنگام گام برداشتن هاو جیرجیرک‌ها ارکستر هماهنگی در این دیار به راه انداخته. سگی پارس می‌کند و پرنده‌ای که روی درختی بالای سر نشسته بالاهایس را تکان میدهد و به پرواز در می‌آید.

از سربالایی بالا میکشیم .. نگاهم به اوست ، می‌خواهم بالا رفتن را از او بیاموزم . با قامتی خمیده از صخره‌ها بالا می‌رود سرعتش را بالا میبرد.

بادی که درحال وزیدن است از لای تاروپود لباس‌هایمان عبور می‌کند و لرزه به تن می‌اندازد. گونه‌ها و نوک بینی ها به سرخی می‌زند. با هر بازدم بخاری از دهان بیرون می‌زند و در چند ثانیه محو می‌شود. صدای پاهای در هنگام گام برداشتن هاو جیرجیرک‌ها

برای پایان دادن به ستم و نابرابری و بی حقوقی زن باید نظام طبقاتی حاکم را به زیر کشید!

گزارش دیدار با اتحادیه‌ی زنان سلیمانی



روز سه شنبه مورخ ۲۰ ماه فوریه سال ۲۰۱۸ دیداری میان رفقای حزب سوسیالیست انقلابی ایران و اتحادیه‌ی زنان سلیمانی صورت گرفت. در این نشست فعالین حزب سوسیالیست انقلابی، رفقا تینا خلیفه‌ای، فعال عرصه زنان حزب و زاگرس ابراهیمی نماینده بخش ارتباطات کردستان عراق حزب سوسیالیست انقلابی ایران، با خانم سیوان مسئول اتحادیه‌ی زنان سلیمانی دیدار کردند. بحث و گفتگو در مورد مشکلات زنان چه در ایران و چه در کردستان عراق قسمتی از بحثهای دو طرف در این دیدار بود. در مورد اقدامات مشترک جهت برگزاری سمینار و مراسم مربوط به ۸ مارس روز جهانی زن سخنانی ایراد شد و هر دو طرف موافق همکاریهای مشترک در این زمینه بودند. در رابطه با خشونت خانگی و چگونگی ریشه کن کردن آن در اقلیم کردستان و ایران، ایده‌هایی مطرح شد. ایده‌ها از جمله شامل ریشه کن کردن فرهنگ نادرست و مفرد دینی در حکومت و جامعه و خانواده بود که راه حل آن را آگاه کردن زنان و برگزاری سمینارهای مربوط به زنان در مورد حقوق خود در خانواده و جامعه، تمرکز بر روی سازمان‌ها و افرادی که توانایی پناه دادن به زنان مورد خشونت و بی سر پناه را دارا هستند، در اختیار قرار دادن برنامه‌هایی راجع مسائل مربوط به زنان در تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی، آموزش صحیح در جامعه در مورد زنان و حقوق آنان و برابری میان زن و مرد، بهبود و تجدید نظر در باره‌ی سیستم آموزش و پرورش و تأثیری که مدرسان روی کودکان دارند، دور کردن هر نوع ایدئولوژی جنسیت زده و نابرابری طلبانه و دینی به بحث آموزش کودکان، عملی کردن پروژه‌های مربوط به زنان بود که قسمت‌های دیگر از این گفتگوها را شکل میداد.

همکاریهای مشترک میان دو طرفین و تداوم این گفتگوها در آینده، جزو گفتگوهای پایانی میان آنها بود.

ادامه بیانیه دستمزد از صفحه ۱۴ ←

تحصن و اعتصاب گسترده و به هم پیوسته را در مراکز مختلف با هدف تحمیل حق بدون چون چرای خود و عقب نشینی کردن به نظام دزد و فاسد و ضد کارگری حاکم بورژوا - اسلامی، به فعالیت خستگی ناپذیر و متحد طبقاتی دست زد. حزب سوسیالیست انقلابی با تمام وجود و قدرت در قدم به قدم این مبارزه همراه با کلیه فعالین و تشکلهای مبارز و رادیکال و پیشرو و سوسیالیستی حضور خواهد داشت! حزب در عین حال توجه کل جنبش کارگری و رهبران کمونیست و کارگری، نهادها و تشکلهای انقلابی کارگران را به مطالبات مرتبط به مبارزه ما برای تحمیل حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان برای سال ۹۷، جلب میکند:

- ۱- ما تاکید میکنیم که مبارزه برای افزایش دستمزد نیز باید بدون هیچ تبعیضی شامل کارگران خارجی و خارجیان مقیم کشور گردد. حزب سوسیالیست انقلابی ایران مدافع برابری کامل حقوقی همه کارگران در کشور، مستقل از تابعیت، ملیت، مذهب، جنسیت و غیره است.
- ۲- مبارزه برای افزایش دستمزد جدا از آزادی کامل و بی قید و شرط تشکل و تحزب کارگران نیست! پرچم حق تشکل مستقل از دولت و کارفرما را باید در این دوره بر افراشته تر کرد.
- ۳- تعیین حداقل دستمزد در صلاحیت نمایندگان کارگران است. خانه کارگر، شوراهای اسلامی، انجمنهای صنفی و شورایی عالی کار هیچ ربطی به طبقه کارگر ایران ندارند! تصمیم شورایی عالی کار برای طبقه کارگر ایران فاقد اعتبار است.
- ۴- مزد برابر برای زنان و مردن در ازاء کار مشابه.
- ۵- آزادی کامل و بی قید و شرط حق اعتصاب. هیچ دلیلی و توجیهاتی نباید این حق اولیه مبارزه و اعتراض را از ما کارگران سلب کند!
- ۶- ورود و دخالت نیروی نظامی و انتظامی به محل اعتراض و اعتصاب کارگران در محل کار بعنوان اقدام جنایتکارانه محسوب گردد.
- ۷- ممنوعیت اضافه کاری. دستمزد عادی کارگران باید در حدی باشد که هیچ کارگری از سر نیاز اقتصادی ناگزیر به تن دادن به اضافه کاری نشود. - ممنوعیت هرگونه کار - مزدی، نظیر قطعه کاری و کار کنتراتی.
- ۸- بیلارفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم. شاخصهای تعیین میزان تورم در صلاحیت نمایندگان کارگران است نه دولت و کارفرما.
- ۹- ممنوعیت پرداخت دستمزد جنسی و غیر نقدی. ممنوعیت تاخیر در پرداخت دستمزد، ندادن حقوق کار انجام شده کارگر جرم است و باید کارفرما فوری مورد پیگرد قرار بگیرد. ممنوعیت هر نوع کسر دستمزد و جریمه به بهانه‌های مختلف. پرداخت حقوق برای غیبت‌های موجه، دوران بیماری و نقاهت، ایام اعتصاب و یا هر نوع توقف تولید بدلائل مختلف و یا به بهانه‌های کارفرما.
- ۱۰- ممنوعیت اخراج. پرداخت کامل آخرین حقوق دریافتی به کارگرانی که بنگاه آنها تعطیل میشود تا مقطع اشتغال به شغل جدید. موظف شدن دولت به پیدا کردن مشاغل مشابه برای کارگرانی که به دلیل تعطیلی بنگاه‌ها بیکار میشوند.
- ۱۱- بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار بالای ۱۶ سال بر مبنای آخرین حقوق دریافتی. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه‌های ضروری به کلیه کسانی که بعلل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند. بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ داده باشد.
- ۱۲- پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را از دست میدهند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

مرگ بر جمهوری اسلامی به مثابه وحشی‌ترین دولت سرمایه داری حاکم!

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist@gmail.com

www.simroz.org

۲۱ بهمن ۱۳۹۶

۱۰ فوریه ۲۰۱۸



مرگ بر جمهوری اسلامی!

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را با زبان مادری بخوانیم)

سهراب کرمانشانی

(سوره بقره) (آیات ۱۰۳ و ۱۰۴): "و اگر آنها ایمان آوردند و هر چیز کارشوند محققا بهر ای که از خداوند نصیب آنها شود بهتر از هر چیز خواهد بود اگر بدانند. ای اهل ایمان هنگام تکلم با پیغمبر به کلمه راعات عبیر مکنید بلکه بگویند ما را در نظر دار این سخن را بشنوید و بدانید که کافران بعذاب دردناک گرفتار خواهند شد"

سوتی های قرآنی که خود با زبان خود میگویند و تاکید بر اصل کلمه را عنا به معنای (صاحبان) را دارد. و نفی این کلمه نشان از خطاهایست که گویای اشتباهات و غلطیهای فراوان در درون این کتاب است و مفهوم آن خود ساخته بودن کتاب است و نه نیرویی مافوق.

(آیه ۱۰۵): "کافران اهل کتاب و مشرکین هرگز مایل نیستند که شما اهل ایمان از رحمت خدا بهره مند شوید، لیکن خدا هر که را خواهد بفضل و رحمت خویش مخصوص گرداند و خدا صاحب فضل عظیم است"

کسانی که شما آنان را کافر و مشرک میخوانید خونهای روان و آگاه جامعه هستند که در مقابل ستمگران دین قد علم کرده و خواهان رهایی کسانی هستند که شما آنان را بنده و اسیر خود کرده اید.

(آیات ۱۰۶ و ۱۰۷): "هر چه از آیات قرآن نسخ کنیم یا حکم آنرا متروک سازیم بهتر از آن یا مانند آن بیاوریم آیا مردم نمیدانند که خدا ابر همه چیز قادر است. آیا نمیدانند که پادشاهی آسمانها و زمین مختص خداوند است و شمار اجزای خدا یار و یاور نیستند؟"

کدامین مردم خدای ساختگی شم ارا اساس و بنای تصویر ذهنی خود قرار خواهند داد؟ کدامیک از آیات شما قابلیت کپی و نسخ دارد؟ آیا هنوز نمیدانید که الف لام میم شما ساخته و پرداخته اندیشه بیمار شماست؟ قرآنی که پیامش بر پایه آنست که زمین را مسطح بخواند و قلب را مرکز تفکر بداند بدور انداختنی و بی ارزش است. آیا وقت آن نرسیده که مترجمین آیات تولید وجدان و صداقت و دور اندیشی خود را بکار ببندند؟ شماها پادشاه فرضی و وحشتناک خود را برای پشتیبانی از دیکتاتوران دینی در ذهن بیمار و روانیتان ساخته اید.

(آیه ۱۰۸): "آیا اراده آن دارید که شما نیز از پیغمبر خود درخواست کنید آن تقاضای بیجایی که بنی اسرائیل از موسی داشتند در زمان گذشته و هر که ایمان را مبدل بفکر گرداند بی شک راه راست را گم کرده است" این چه مکتب و آیینی است که میخواند بشریت بی آنکه فکر کند همانند حیوانات به احساسات و ذات درونی بسند کند. کتاب قرآن از برنده ترین سلاح ممکن آن زمان که رویارویی پیروان ادیان دیگر با هیرانشان حداکثر استفاده ممکن را برده است، لکن برای پیشبردها، به منظور بدست گرفتن قدرت و به زیر کشیدن اراده و خواست انسانها، آنانرا از تفکر و اندیشیدن بر حذر میدارد.

(آیه ۱۰۹): "بسیاری از اهل کتاب آرزو و میل دارند که از ایمان شما را بفکر برگردانند (بعد از اینکه ایمان آورید) بسبب رشک و حسدیکه برای ایمان شما بر ندر طبیعت خود پس از آنکه حق بر آنها آشکار گردید پس اگر از آنها به شماست می رسید عفو کنید و در گذرید تا هنگامی که فرمان خدا (جنگ یا صلح) برسد بدرستی که خدا بر هر چیز قادر و تواناست"

حقیقتا همانی است که شما میگویید و کسی که اهل کتاب است بدرستی تشخیص واقعیت از دید کور کورانه را دارد، مگر نه آنکسی که تعقل میکند اراده و تواناییهایش را میتواند بکار گیرد، شماها میخوانید انسانها چشم و دست و پای بسته هرچند و پرندی که زورگویان دینی میگویند باور کنند و اگر اینگونه تشدمردم را به جنگ با خود میطلبی، و هرگاه که خودخواستی صلح کنند.

(آیات ۱۱۰ و ۱۱۱): "و نماز بپا دارید زکوة بدهید و بدانید که آنچه برای خود پیش میفرستید در نزد خدا خواهد بیافت بدرستی که خداوند به هر کار شما آگاه است. و یهود گفتند هرگز به بهشت نروند جز طایفه یهود و نصاری گفتند جز طایفه نصاری بگویند که این شمار ارباب آرزوئیست بگو برهان آورید اگر راست میگویند"

راجب بپا داشتن نماز که خود در صدر اسلام بروایتیهای مختلف ۲۰ تا ۴۰ رکعت بوده که بعدها رهبران دین میگویند ما غلط کردیم و رفته رفته آن را تقلیل دادند تا به ۱۷ رکعت کنونی رسید این اعمال دینی به چند دلیل که تیتروار به آن اشاره خواهم کرد به جامعه تحمیل کردند، ۱- بندگی و اطاعت پذیری بشر جهت گرفتن اراده برای درگیر ساختن خود با درونش ۲- اگر مالیاتهای گزاف از جمله خمس، زکوة، و فطره داد و عوضش را از کسی مطالبه کنند که نه توان دسترسی به او را دارد و نه میتوان شکایت کرد چونکه داده هایش رحمت و غضبش حکمت است. به همین خاطر هیولای خود ساخته درون افکار ما را بیشتر بسوی عبادت و نماز میبرد ۳- اگر ظلم و ستمی از جانب حکومت بر ما تحمیل شود بپا داشتن نماز و رهایی خود از این دنیا سبب میشود که فرد مورد نظر مطالباتش را فراموش و همه بلاهایی که بر سرش آمده آنرا به کهکشانهار جاع و دیگر توان دفاع از خود را میگیرد.

(آیه ۱۱۲): "آری کسیکه از هر جهت تسلیم حکم خدا گردید و نیکو کار گشت مسلم اجرش نزد خدا بزرگ خواهد بود و او را هیچ خوف و اندیشه و هیچ حزن و اندوهی در دنیا و آخرت نخواهد بود" داستان دروغ بزرگ آخرت خودیکی از ابر افسانه های ساختگی ادیان ابراهیمی است که در قرون وسطی بهشت را بصورت رسمی به پیروان آیین مسیح میفروختند. در این راستا شخص ثروتمندی به کلیسا میرو و دو تقاضای خرید تمامی جهنم را میکند و روحانی ساده لوح هم میپذیرد پس از آنکه فرد مورد نظر سند خرید جهنم را دریافت میکند اعلام میدارد که ای مردم من به بهای گزاف دوزخ را خریدم و در آنرا قفل زده ام دیگر شماها نیازی به خریدن بهشت ندارید، در مجموع ادیان ابراهیمی همگی يك خط را دنبال کرده اند و آن چیزی جز بردگی و اسارت برای بشریت در پی نداشته و تنها راه برون رفت از این سیاه چال تاریک و مخوف فقط و فقط رسیدن به آگاهی است... ادامه دارد

زنده باد کارگر، نابود باد حاکمیت دینی، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران.

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

سرنگونی از راه انقلابی شعار ماست! علیه پیروان رفراندوم مشروعیت بخشیدن مجدد به رژیم متحد شویم!

عزیز آجیکند



احمدی نژاد را همگان میشناسند. یک بسیجی کشته و مرده نظام ولایت فقیه و از فدائیان امام و از سرکوبگران اصلی اعتراضات در دوران ریاست خود بود.

دولت ایشان، ایران جزوسومین زندان روزنامه نگاران در سراسر جهان بود. کشت و کشتار و زندانی کردن روزنامه نگاران و شکستن قلم روشنفکران و فرار مغزها در دوران او اتفاق افتاد.

محمود احمدی نژاد با چنین حرکت و نامه نگاریهایی نمی تواند برای خود گذشته خود پاکانه کند و عمر تازه ای برای جمهوری اسلامی بخرد و در چهره و شخصیت دیگر با نقاب دیگر ظاهر شود. ایشان چه در حال و چه در گذشته نماینده حکومت سرکوبگری بوده و هستند که فقر و فلاکت و سیه روزی را برای طبقه کارگر ایران و توده های زحمتکش به ارمغان آورده است.

احمدی نژاد و طرفداران رفراندوم در ایران، قاتل دهها هزار نفر از مردم ایران اند. آنها نماینده رژیمی هستند که در پرونده چهل ساله خود اعدام و سنگسار و شکنجه را دارد. آنها مسئول کشتارهای سیاسی و نسل کشی گسترده در سال های ۶۰ و ۶۱، قتل عام چند هزار نفر از زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و برپائی گورهای دسته جمعی اند. آنها نماینده ولایت فقیهیی هستند که آپارتاید جنسی و اعمال خشونت هر روزه علیه زنان را در پرونده خود دارند. احمدی نژاد در دوران ریاست خود به روشنی ثابت کرد که ضد طبقه کارگر ایران است و حکومت پشتیبانش از رهبر گرفته تا تمام سران ریزو درشتش ضد طبقه کارگرند و به دفعات اعتراضات کارگری را با هم به خون کشیده اند و رهبران کارگری را دستگیر و شکنجه کرده و به اذیت و آزار آنها پرداخته اند. در دوران ریاست جناب احمدی نژاد جوانان از ابتدائی ترین حقوق و آزادیها محروم بودند و امیال آنها با وحشیانه ترین مجازاتهای اسلامی نظیر شلاق پاسخ داده میشد. آدم ربایی و دهها ترور در خارج از مرزهای ایران در پرونده آنها ثبت شده است.

احمدی نژاد و دیگر پیروان رفراندوم که بیشرمانه مردم را از انقلاب میترسانند و خواهان گذر کردن جمهوری اسلامی از بحران موجود هستند و در تلاشند تا برای جمهوری اسلامی عمر تازه بخرند، نمایندگان مردم نیستند بلکه مجرم و جانی و باید افشا و طرد شوند. هیچ نهاد و ارگان و با سازمانی که خود را در جبهه سرنگونی طلب می بیند و مدافع حقوق انسان هستند نباید به آنها رسمیت بدهند و آنها را در جبهه ساختار شکنان معرفی کنند و نباید در هیچ شرایطی به آنها مشروعیت بخشند.

نظام فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی کارش به جایی رسیده که شیشه عمر آن در دستان توده های مردم و طبقه کارگر ایران است. و بدون شک روزی طبقه کارگر مردم آزادیخواه به جان آمده این شیشه را خواهند شکست و این رژیم را همچون رژیم پهلوی جنایتکار سرنگون خواهند کرد. شکی در آن نیست که جامعه خود را از شر این نظام و سیاستهای جنایتکارانه آن رها میسازند. و اما تنها راه هایی واقعی از چنگ این رژیم فاسد، همانا به میدان آمدن تمام طبقه کارگر ایران و مردم آگاه به منافع خویش و جنبشهای رادیکال و سوسیالیستی است. آن روز دور نیست و خواهد آمد و دیگر مردم نه احتیاجی به رفراندوم دارند و نه پیروان چنین ایده مضحکه ای.

شتاب تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی در ماهها و روزهای اخیر در ایران و تشدید سرکوب و خشونت بر علیه معترضان حکومتی، در کنار شگردهای عوامفریبانه بخشی از حاکمیت و اپوزسیون بورژوائی و وظایف بسی سنگین تری را بر دوش مبارزین سیاسی و کمونیست و طرفداران سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را در چنین روزهایی قرار داده است. و امروز وقت آن رسیده است که در یک زاویه دیگر و با گفتن آنها و تنها سرنگونی و متکی به سیاست و آرمان سوسیالیستی، خود را برای سرنگونی این نظام آماده کنیم و مقدمات مستحکم و ابزارهای ضروری سرنگونی متکی به خودمان را در نه حرف و تبلیغات که در میدان واقعی نبرد فراهم بسازیم.

روزهای پیش رو، روزهای ارزیابی کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران با همه دارو دسته و پسوند و بدون پسوند، توسط کارگران و جوانان و زنان انقلابی و لایه های مترقی دیگر جامعه ایران خواهد بود و آرام آرام تبعات این ارزیابی صدرصد منفی از عمر چهل ساله یک مشت جنایتکار فاسد و بی خاصیت، در مبارزات کارگری، اجتماعی، بار دیگر و در شیوه دیگر خود را بروز خواهد کرد.

در این شیوه از مبارزه مردم و جوانان انقلابی که آنها را هر روز در مراکز کار و خیابانهای می یابیم، اعتمادی به انسانهایی نیست که صرفاً بقای رژیم جمهوری اسلامی را از راه رفراندوم و یا رد شدن از آخرین امیدهای ماندگاری این حکومت سر تا پا جهل و خرافه را از سر می پروراندند.

همگی این دسته از طرفداران رفراندوم برای ماندگاری نظام جمهوری اسلامی که خود را طرفداران "انتخاب آزاد" در ایران معرفی میکنند و مشغول نامه نگاری به اربابان خود و سازمان کشکی چون سازمان ملل متحد هستند. خود از بنیان گذاران چنین حاکمیت کثیفی هستند که امروز نقاب بر صورت خود کرده اند و در چهرهای معصوم چون دموکراسی و آزادی ظاهر میشوند. این جنابان نماینده یک سیستم ضد بشری و یک سیستم کاملاً ضد دموکراسی هستند و تنها رفراندوم را در صورت تغییر چهرهای حکومتی برای آینده ایران میبینند و نوع نظام و سیستم و قانون اساسی برای تغییر در آینده ایران برای آنها ملاک نیست. آنها روزی روزگاری هر کدام یا سابقه کار در ارگانهای حکومتی را داشتند و یا در ساده ترین شیوه میتوان گفت از لحاظ سیاسی در بهترین حالت در طیف اصلاح طلبان حکومتی به شمار می آمدند، پس راحت میتوان گفت که آنها امتحان خود را پس داده اند و در هیچ فرصت دیگری جایی در ایران و در آینده آن نخواهند داشت. اکثر اینها خود شریک جرم و باید در یک دادگاه عادلانه همراه دیگر سران حکومت دادگاهی شوند.

در این میان احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور سابق که خود نیز پرونده درخشانی از دوران ریاست جمهوری خود ندارد و از افراد مورد تأیید شخص خامنه ای نیز بودند، ادعای "انتخاب آزاد" در ایران را دارد و خواهان رفراندوم و انتخاب مجدد ریاست جمهوری و مجلس و قوه قضاییه را دارد. اعلام چنین موضوعی از طرف شخص احمدی نژاد در چنین روزهایی مضحکه تر از بیانیته پانزده نفر طرفدار رفراندوم در ایران است.

تعیین حداقل دستمزد تنها در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگران است!

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حداقل دستمزد سال ۹۷

حول مطالبه "افزایش حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان" متحد شویم!

(از مطالبه و فراخوان سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه،
سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، و گروه اتحاد بازنشستگان حمایت میکنیم.)

طبقه کارگر و زحمتکش جامعه نه تنها گردش چرخ اقتصاد و پول و تولید ثروت و انبوه کالاها و کلیه تولیدات و دستاوردهای پیشرفته و نیازمندیهای روزمره جامعه را بردوش دارد، نه تنها تامین خدمات و هزینه های کل کشور ناشی از تلاش و دسترنج شبانه روزی او است، که هزینه دشمنان و سرکوبگران خود، از جمله هزینه ماشین گسترده دولتی، ارتش، سپاه، بسیج، پلیس، لباس شخصی، حزب الله قمه کش، خود فروختگان خیرچین، سازمانهای اطلاعاتی و گله آخوند و مساجد و مذهب و تمام ارگانهای مفت خور ایدئولوژیکی و فرهنگی و اداری جمهوری اسلامی و نظام حاکم بورژوازی ایران را نیز تامین میکند، اما همچنانکه همه بر آن واقف هستند، این سازندگان هستی جامعه خود و خانواده شان جزو محرومترین، فقیرترین و سرکوب شده ترین بخش جامعه محسوب میگردند. خود و فرزندانشان در راس لیست قربانیان مرگ و میر، ارتش بیکاران بدون پول و امنیت، کارتون خوابها، گور خوابها، معتادین، بی خانمانها، کودکان کار و خیابانی، کولبران، "برندگان مدرن"، و متحملین غیر انسانی ترین درد و رنج و زندگی پر مشقت قرار دارند. این موقعیت هولناک، بنیاد جنایت آفرینی، تضاد، بحران، کشمکش طبقاتی، وارونگی جامعه سرمایه داری، از خود بیگانگی انسان، و چهره کریه و وقاحت نظام حاکم را نشان میدهد. طبقه سرمایه دار و دولت آن دقیقاً از این راه توانسته و خواهد توانست بقای ظالمانه و ننگین حاکمیت خود را همچنان حفظ و پا برجا نگهدارند. تا زمانی که جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری بتواند زندگی انسان ها را در جهت منفعت سیاسی، طبقاتی و ایدئولوژیکی خود رقم بزند، تا زمانی که ما کارگران و زحمتکشان ناگزیر به فروش نیروی کار خود و انجام کار برای سرمایه و مالکان وسائل تولید هستیم، تا زمانی که اجازه داده ایم نظام مزدگیری و خرید و فروش نیروی کار انسانها برقرار است، روشن هست که هیچ شکلی از اصلاحات و یا افزایش دستمزد و غیره نیز نمی تواند بطور قطع به اصل استثمار و جنایت و نابرابری و خلاصی از جنایت اعمال شده توسط دولت و طبقه حاکمه پایان داد.

اما با آگاهی بر واقعیت فوق و ضرورت تعمیق نفرت و آگاهی طبقاتی جنبشمان علیه شرایط موجود، و اعلام مستمر این واقعیت ساده که تا زمانی نظام کار مزدی برقرار است، خبری از خوشبختی و رهایی واقعی کارگر و بشریت نیست، جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر به منظور پایان دادن به حاکمیت نظام سرمایه داری، نه "اصلاح درونی طبقه حاکمه" و دولت، به مثابه پیگیرترین بخش جنبش طبقاتی بر تحمل رادیکالترین و گسترده ترین "اصلاحات" به نفع طبقه خود و ادار کردن دشمن طبقاتی و دولت به عقب نشینی تاکید میکند. به منظور دستیابی به موقعیت معیشتی و اقتصادی بهتر طبقه کارگر، و همچنین به منظور پیش گیری قاطع از بورش بی وقفه و گستاخانه دولت و سرمایه داران به سفره بی رونق کارگران و شهروندان، جنبش ما موظف است در صف مقدم مبارزه اقتصادی طبقه کارگر قرار بگیرد. از این جهت و با این افق سوسیالیستی و کارگری ما با تمام قدرت برای افزایش حداقل دستمزد جنبشمان، و تحمیل بیشترین مطالبات خود به نظام وحشی حاکم اسلامی سرمایه داری، بر سازماندهی فوری و به میدان آمدن کل طبقه حول افزایش حداقل دستمزد به میزان ۵ میلیون تومان برای سال ۹۷ تاکید میکنیم.

حزب سوسیالیست انقلابی در راستای سیاست و تلاشهای تا کنونی خود، از جمله در زمینه افزایش حداقل دستمزد سال ۹۷، که همواره به ضرورت افزایش حداقل دستمزد ۴-۵ میلیون تومان تاکید کرده ایم، از چندین ماه پیش تلاش و قبحانه و مضحک شورایی کار و دولت و کارفرمایان را که عملاً مانند سالیان پیش میزان "حداقل دستمزد کارگران" را حتی قبل از موعد مقرر این نمایش دولتی در اسفند ماه، یکجانبه تعیین کرده اند، و بر ضرورت انتخاب فوری نمایندگان کارگری در مراکز مختلف به منظور طرف حساب با دولت و کارفرما و شورایی کار همواره تاکید نموده ایم، اکنون با دیدن اطلاعیه اخیر سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و گروه اتحاد بازنشستگان، که روز ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ منتشر شده است، و در آن مطالبه حداقل دستمزد به میزان ۵ میلیون تومان را با استناد به فاکتورهای غیر قابل انکار درخواست نموده است، آنرا در کلیت خود با سیاست و مطالبه خود همسو می دانیم و از آن مطالبه و فراخوان قویا حمایت میکنیم.

باید توجه داشت که به دلیل فضای سیاسی کنونی کشور و اعتراضات گسترده اخیر، موقعیت سیاسی و تناسب قوای کنونی به نسبت سالهای پیشتر امکان بیشتری داده است برای تحمیل مطالبه افزایش دستمزد خود و همچنین تلاش برای اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران علیه دولت و سرمایه داران. از این جهت کلیه نهادها و تشکلهای کارگری، معلمین، بازنشستگان، کارکنان مراکز درمانی و خدماتی و از جمله طبقه کارگر در مراکز کلیدی و صنعتی کشور را دعوت میکنیم تا از آن فراخوان حمایت نمایند و حول مطالبه "حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان برای سال ۹۷" متحدانه به میدان بیایند. اکنون و به این مناسبت نوبت طبقه کارگر ایران است که کلیه جامعه را متوجه حقانیت مطالبات خود کند و آنها را به حمایت از خود به صف بکشد. در اینجا است که سرنوشت پایه ای اوضاع سیاسی و تناسب قوای نامساعد کنونی را میتوان به مسیر مورد انتظار به حرکت در آورد، نه اینکه آنطوری که جریانات حاشیه ای کارگران را هر روز به حمایت از این یا آن اقدام معین کوچک و حاشیه ای فراخوان میدهند.

ما از فعالین عملی، پیشرو و سوسیالیست طبقه کارگر میخواستیم از شرایط سیاسی-اعتراضی جاری در کشور بهترین استفاده را نموده و جنبش میلیونی طبقه کارگر را حول مطالبه واحد افزایش دستمزد و بر افراشته کردن پرچم سوسیالیستی خود متحد نموده و جنبش قدرتمندی در این راستا به حرکت در بیاورند. ما تاکید میکنیم که نباید فقط به اطلاعیه دادن اکتفا نمود. ملزومات و اقدامات عملی چنین جنبشی را بی درنگ باید شروع کرد و راه تدارک اعتراض و

ادامه در صفحه ۱۱

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.

- مسنولیت مقالات با
نویسندگان آن است.

حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنایتکار اسلامی کمک فوری
خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!